



۲۰۱۸/۰۲/۱۱

احسان الله مایار

روانت شاد شهید راه آزادی افغانستان

به خاطرت می دهم، روزی را که دوست عزیز و مشترک ما غلام دستگیر نوری، انجنیر بدرالدین شرفی و بنده ترا از منزلت در شهرنو گرفته روانه مزارشریف شدیم تا موتر والگای دستگیر را که تازه از شوروی وارد شده بود در آن روز های سرد زمستانی از مزارشریف به کابل بیاوریم.



تا جائیکه به خاطر دارم یکی از روزهای ماه دلو ۱۹۷۴م بود و هر چهار ما بدون کدام کار رسمی، اما هر چهار ما دوستان خوب و خوش مشربی بودیم.

شرفی را به جرم اختلاس در مقام ریاست تفحصات پترول، ساخت و بافت حسن شرق، چند روزی محبوس کردند ولی سندی نیافتند که اتهام شان را به کرسی نشانند

و او را از قید رها کردند.

از مرگ شرفی خبر داری، زیرا تو زنده بودی که یک لعین به نام داود ترون در اوائل کودتای خاینانه شان او را به شهادت رسانید، همسر عزیز و جوانش را بیوه و فرزندانش خالده و فصیح را بی پدر ساخت و زیر خاک نامعلومی مانند هزار در هزاران وطن داران ما گورش نمودند.

درست به خاطر ندارم که از وفات دستگیر هم خبر شده بودی و یا اینکه وی بعد از شهادت تو به دیار ابدی پیوست و اطلاع نداری؟

به هر حال تنها از آن چهار دوست همسفر تنها من زنده هستم و اینک هر سه شما را یاد می کنم و به روان پاک و منزله از هر نوع آلودگی دنیائی تان درود می فرستم و یاد آن سفر را دوباره در خاطرم احیاء می کنم.

به یاد داری که به غیر از تو ما سه نفر یک مبلغ پول انداز کردیم و یک مرغ چاق پیر را خریدیم و بالای بخاری اطاق هوتل ساعت ها جوشاندیم که قابل خوردن شد و با پیاز و نان تازه ازبیکی با چی مزه ها خوردیم و چون گوشت مرغ نسبت به کلفتی در هر جوش و مرور روز نرم تر می شد و لذتش بیشتر و با خوش مزگی و نمکی بهتر مزه آن در دهن ما خوبتر احساس می شد.

چی روز های خوشی و امنیت با صحبت های لطیف در حلقه چند دوست بدون آلایش و با محبت که ذره ای از آن همه وجود ندارد.

چی پیش شد و چی باعث شکست حلقه خانواده ها و در نهایت افغانستان و ملت آن گردید که امروز در تاریکی تاریکی ها راه خود را گم کرده ایم و از این دایره شیطانی خبیث بیرون شده نمی توانیم.

به یاد داری که یکی و یک بار هر یک ما در تلاش شدیم چگونه وطن عزیز خود را ترک نمائیم، خود و اهل بیت خود را نجات دهیم؟

دستگیر در دفتر شخصیتی بنده همکارم بود و شرفی در دفتر تجارتهی "میرز سرویس" در همسایگی در به دیوارم کار میکرد و تو رئیس پوهنخی ادبیات در پوهنتون کابل بودی که شیرازه زندگی ما سخت شکست، چنان شکست که تا به امروز که چهل سال از آن روز منحوس می گذرد به حال نمی آید.

راه های زندگی ما از هم تفریق شد و از هم دور، لیک روابط زنده ها هنوز بر جا بود. بار دیگر که تو به معیت آقای شپون از پاکستان به مادرید آمده بودی تا داد مردم افغان را در یک کنفرانس بزرگ بین المللی KSZE به سمع جهانیان برسانی و از آلمان داکتر جلیل شمس و بنده، از پاریس همایون آصفی که مربوط به یک گروه مقاومت "جرگه اسلامی نجات افغانستان" بودیم به عین منظور در مادرید رسیده بودیم، شما را دیدیم و مشترکاً در یک کنفرانس مطبوعاتی به تاریخ ۱۰-۱۲-۱۹۸۰-۱۹۸۰ سهم گرفتیم. این موضوع در جلد اول اثر بنده زیر عنوان قیام ملت افغان" در صفحه ۴۸۶ - ۴۸۹ نشر شده که ایجاب تکرار را نمی کند. بهاءالدین عزیز بعد از ختم کنفرانس تو به امریکا سفر کردی تا صدای مردم مظلوم افغان را به سمع جهانیان برسانی. سفرت در امریکا موفق بود و مصاحبه ات در مجله نیوزویک نشر شد که متن آنرا از جلد دوم اثرم "قیام ملت افغان" از صفحه ۱-۵ اقتباس نموده خدمت خوانندگان تقدیم می دارم:

۲۲-۱۲-۱۹۸۰

نیوزویک Newsweek امریکا:

"روسها پایدار مانده نمی توانند"
مصاحبه با سید بهاء الدین مجروح



مجروح: " گاهگاهی احساس تنهایی میکنیم"

یک سال قبل داکتر سید بهاءالدین مجروح رئیس پوهنخی ادبیات پوهنتون کابل بود و دو هفته بعد از تجاوز شوروی به افغانستان کشور خود را ترک نموده در پاکستان با قوای مقاومت افغان پیوست و در آنجا زندگی می کند.

هفته آینده مصادف است با اولین سالگرد تجاوز و اشغال افغانستان توسط قشون سرخ شوروی، قوای مقاومت افغان در سر تاسر جهان دست به کار شده اند تا در برابر این فاجعه بزرگ سر و صدای خود را به گوش جهانیان برسانند، از جمله مجروح نیز وارد امریکا شده سعی میکند تا از کشور های آزاد جهان برای مبارزین آزادیخواه افغانی کمک بگیرد.

وی حین اقامتش در امریکا مصاحبه ای با هیلینا جوشی Helena Joshe خبرنگار نیوزویک در نیویارک داشت که مختصر آن از نظر خوانندگان گذارش می یابد:

جوشی: از تجاوز قوای شوروی در افغانستان تقریباً يك سال میگذرد، شما این حادثه را چطور ارزیابی می کنید؟
مجروح: روسها گمان می بردند که این تجاوز منافعی را برایشان به ارمغان خواهد آورد، اما این آرزوی شان بر آورده نشد. در عمل قوای اتحاد شوروی به افغانستان تجاوز کرد، لیکن موفق نشد که کشور را آرام بسازد. روسها امید داشتند که با حصر گردانیدن زندگی بر افغان ها آنها را شکست میدهند، اما فهم آنها نداشتند و نمی دانستند که چون مردم افغان ترس را نمی شناسد بر ضد شان به قیام و مبارزه بر می خیزد. تفسیر درایت روسها این است که آنها در محاسبه خود مقاومت ملت افغان را ناچیز قیاس کرده و چنین مقاومت فراگیر در جامعه را از آنها انتظار نداشتند.

س: چرا قوای اتحاد شوروی در چنین باتلاقی فرو رفت؟

ج: روسها تصور می کردند که حزب دیموکراتیک خلق توان آنها دارد تا يك حکومت مردمی را که بر پایه های قدرت مردم استوار باشد در صحنه سیاسی به وجود بیاورد. برعلاوه این اشتباه دیگر دست اندر کاران شوروی با فهم اینکه حزب پرچم و خلق در بنیاد با هم اختلافات عمیق داشته و از همدیگر نفرت دارند جهت منتفی گردانیدن این واقعیت اتحاد شوروی با تمام قدرت دست داشته خود سعی جدی کردند تا در بین آنها، احزاب کمونیستی خلق و پرچم، نزدیکی و آشتی دایمی بوجود بیاورند، لیکن موفق نشدند. نتیجه این شد که فعلاً در افغانستان حکومت و اداره وجود ندارد و از طرف دیگر علاوه بر این نواقص فشار مقاومت مردم در برابر شوروی رو به تزاید است.

س: فشار به مقصد چه؟

ج: فشاری که روسها را متقاعد گرداند تا به حل سیاسی بحران افغانستان تن در دهند.

ما میدانیم که بیرون کشیدن روسها از کشور با قوه نظامی موجوده مجاهدین يك پروسه ای ساده نیست، اما از جانب دیگر می دانیم که با قدرت و مقاومت مردم می توانیم روسها را آنقدر تحت فشار قرار دهیم تا واقعیت جهاد و مقاومت را قبول نموده و برای حل بحران افغانستان حاضر به مذاکره شوند. در گذشته افغانستان يك کشور غیر منسلك و بی طرف بوده و سیاست بیطرفی فعال و مثبت را در خط و مشی خود داشت و ما آرزو مندیم تا همان موقف گذشته خود را در جامعه جهانی دوباره بدست آوریم.

اگر روسها چاره ای نسنجند و به زودی کاری برای نجات خود نکنند ما گفته می توانیم که سال آینده بر شدت جنگها افزایش چشم گیری خواهد آمد که در آنصورت ما می توانیم روسها را متقاعد گردانیم که آنها نمی توانند در افغانستان پایدار بمانند، زیرا حلقه زندگی بالای شان روز بروز تنگتر خواهد شد و مشکلات آنها هر دم افزونی خواهد یافت.

س: با این طرز دید آیا مردم افغان با خطر بزرگتری مواجه خواهد شد؟

ج: مطلب اگر خطر نابودی کلی باشد، بلی. اما ما چاره ای دیگر سراغ نداریم. برای ملت افغان دو راه وجود دارد یکی آن که به شوروی تسلیم شویم و یا دوم اینکه با آنها بجنگیم و طوریکه مشاهده می کنید ما در حال حاضر راه جنگ را انتخاب کرده ایم و به آن عقیده داریم.

س: آیا میتود (حمله و گریز) مبارزین باعث انتقام گیری بیشتر روسها نشده است؟

ج: بلی شده است. چنانکه بعضی اوقات راه های يك قریه را مسدود می کنند و بدین وسیله مانع رسانیدن مواد ارتزاقیه و صحنی برای اهالی بی گناه می شوند و مردم قریه مجبور به فرار از کشور و یا تسلیمی به آنها می شوند.

ما اطلاعاتی مؤثقی در دست داریم که عساکر قوای شوروی سرکرد گان دهات را بازداشت می کنند همچنان بالای مزارع و حاصلات شان بمباردمان کرده و کانالهای آبیاری را از بین میبرند تا مردم از فشار گرسنگی خود را تسلیم کنند.

س: آیا روسها در برابر مردم از مهمات کیمیاوی در جنگها استفاده میکنند؟

ج: تا جائیکه من اطلاع دارم يك نوع گازیکه بالای سیستم عصبی تاثیر دارد، از آن استفاده می کنند. ما لابراتواری بدسترس خود نداریم تا نوعیت این گاز ها را تثبیت کنیم. اما بعضی اشخاص نزد ما آمده و راپور داده اند که: "در اثر انداخت گلوله ها و منفجر شدن آن بر سطح زمین بدون موجب تفنگ از دست مجاهدین میافتد و حرکت کرده نمیتوانند". همچنان هیلوکوپتر های روسی بالای مناطق مسکونی ماینهای ضد انسانی مانند شب پرك های پلاستیکی و دیگر اسباب بازی اطفال را می پاشند که حین تماس با این وسایل انفلاق مدهشی رخ داده و باعث از بین رفتن دست و یا دیگر اعضای بدن انسان میشود.

س: شما که به ایالات متحده آمده اید از ما چه نوع کمک را انتظار دارید؟

ج: در طول این مدت ملل صلح دوست جهان برای مهاجرین افغانی در پاکستان کمک هایی کرده اند. اما باید شما متوجه باشید که مردمان داخل کشور نیز به کمک احتیاج دارند. ما به هر نوع کمکهای بشری از قبیل مواد ارتزاقی، ادویه و لباس برای اهالی داخل افغانستان ضرورت داریم و ما می توانیم این کمک ها را برای حاجت مندان داخل کشور توسط قوای مقاومت داخلی برسانیم. ما معتقد هستیم که باید بکوشیم تا جریان سیل پناه گزینان به پاکستان قطع شود. حضور اهالی در داخل کشور تنها فشار مؤثریست که میتواند روسها را متقاعد به قبول راه حل سیاسی قضیه گرداند.

س: آیا افغانها از نگرانی جهان صلحدوست در رابطه با فاجعه غمگین افغانستان اطلاع دارند؟

ج: در این مورد رادیو "ترانزیستور" خدمات بزرگی را انجام داده و می دهد و مردم ما اخبار جهان را با علاقه می شنوند. در آغاز تجاوز قوای شوروی از طرف سران جهانی اعلامیه های بلند بالا نشر گردید اما در عمل نتیجه ای از آن به مشاهده نرسید که این کمیود باعث نا امیدی مردم شده است.

یکی از مشکلات عمده ما اینست که مردم مبارز افغان در مانده اند و نمی دانند که در برابر حملات هیلوکوپترهای گن شپ روسی که مجهز با آخرین و سایل الکترونیکی و تخریبی می باشند چه طور از خود دفاع کنند. قوای شوروی با این وسیله کشنده ایکه در دسترس خود دارد در مناطق دور افتاده کشور نفوذ کرده می تواند و اهالی دهات و قراء را از بین می برد. ملت افغان مستحضر است که دوستان ما از موجودیت و استفاده از این آلات

کشنده در جنگهای افغانستان اطلاع دارند، اما با تأسف باید اظهار داشت که تا حال کسی و یا کشوری حاضر نشده برای دفاع در برابر این افزار جنگ بما کمک کند.

س: در صورتیکه قوای مقاومت از خود مرکز واحد و مقام رهبریت واحد ندارد، چطور می تواند کمکهای مورد ضرورت را بدسترس مردان میدان جنگ برساند؟

ج: در پشاور اتحاد اسلامی برای نجات افغانستان وجود دارد که در این اتحادیه پنج گروه مقاومت افغانی شرکت دارند. با وجود اینکه در این اتحاد بعضی نقاط ضعیف مشاهده میشود، لیکن در نظر است تا هر چه زود تر این معضله حل شده و به زودی يك اتحاد قوی قابل محاسبه بوجود آید.

گروه های مقاومت در داخل کشور که عملاً در جنگ داغ شرکت دارند تشکیلاتی از خود دارند و رهبران شان در نظر دارند تا با اتحاد تشکیل شده در پشاور تماس برقرار نموده و يك ائتلاف قوی را به وجود آورند.

س: طوریکه شنیده میشود، قوای نظامی شوروی در نظر دارد تا از ماه های زمستان برای بسیج قوای تعرضی خود استفاده کند، آیا قوای مقاومت نیز کدام آماده گی در برنامه ریزی خود دارد؟

ج: ما قوای خود را تحت پروگرام " میتود جنگهای گوریلائی " تحت تربیت گرفته ایم و در نظر داریم تا در تکتیک جنگها تغییرات مهمی وارد کنیم. طور مثال قوای مقاومت مجبور است تا از راه های مواصلاتی جدیدی استفاده کند، زیرا راه های عنعنوی کشور توسط قوای شوروی تا اندازه ای مسدود گردیده است.

س: با این تفسیر شما، يك نوع تروریزم از شهر ها آغاز خواهد شد، که بعضی ها در این باره از آن صحبت می کنند؟

ج: مجاهدین از وسیله ترور استفاده نمی کنند، ما بوضاحت اظهار میداریم که دفاع ما در چوکات تروریزم بین المللی هیچ گونه رابطه ای ندارد. ما می خواهیم روسها را از کشور خود بیرون رانیم، اما در مناطق پر جمعیت که حمله ما به آنها صدمه برساند از حمله بر آنها خود داری نموده و از آنها فاصله می گیریم. مانمی خواهیم به روسها دستاویزی بدهیم تا از حملات وحشیانه خود بیشتر کار بگیرند. ما به صراحت ابلاغ می داریم و اهالی داخل کشور باید بدانند زمانیکه مکاتب و مساجد طعمه حریق می شوند، این عمل توسط روس ها و عمال آنها صورت گرفته نه توسط مجاهدین.

س: آیا فیصله ملل متحد در رابطه با بیرون بر آمدن قوای خارجی از افغانستان به قضیه کمک میکند؟

ج: این فیصله يك کمک بزرگ اخلاقی است که تصویب گردیده، زیرا " ما گاهگاهی احساس تنهایی می کنیم " باید علاوه نموده و بگویم که ما يك کشور کوچک و نادار هستیم که شاید روسها بتوانند ما را بشکنانند، اما با صراحت اخطار میدهم که با شکست ما امنیت جهان آزاد نیز با خطرهای غیر قابل پیشبینی شده مواجه خواهد شد.

تشکر از صحبت تان - تشکر از شما

چند سالی از آخرین دیدار ما سپری گردید که روزی در حوالی ۴ صبح صدای زنگ تلفون مرا از خواب بلند کرد و از آنطرف صدای دوست بزرگوار و استادم داکتر محمد یوسف را شنیدم که تقریباً چنین گفت "لعنتی ها بهاءالدین را کشتند".



با شنیدن این خبر در این وقت صبح از دوست نازنین همسفر مزارشریف، سومین حلقه ما شکست و بنده را تنها گذاشتند تا این صحنه را گزارش دهم.

داکتر صاحب به من گفت که سید شمس الدین مجروح پاچا، پروین جان، عضو هیئت شورای عالی اسولا، صبیبه پاچا و انجنیر عبدالله علی، داماد و فکر میکنم آقای نعیم مجروح امروز عزم سفر به پشاور را دارند، لطفاً سرشته سفر شان را کرده و در میدان هوایی فرانکفورت با آنها کمک کن.

این وظیفه اجرا شد پاچا صاحب مرد معمر با صبیبه و دامادش به پشاور سفر کردند تا از بهاءالدین پیچانده در کفن گلگون با خون پاک افغانش برای ابد خدا حافظی کنند.

پروفیسر داکتر بهاءالدین مجروح در ارزیابی و احصائیه گیری در کمپ های مهاجرین رقمی را که ۷۲ فیصد مردم از اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و از بازگشت وی به افغانستان طرفداری می کنند و صرف دو فیصد به نفع حزب اسلامی رأی مثبت داده اند، نشر کرد و با انتشار این وثیقه بزرگ ثبت در تاریخ معاصر افغانستان امر شهادت خود را مردانه وار به دست انسان های مزدور صفت و دون همت سپرد.

روانت شاد دوست دانشمند و مردانه صفت

حقا که بازماندگان و مردم آزادی خواه افغان به اسم تو افتخار کنند